



گفت و گوباً محمد رضا باهنر نایب رئیس مجلس و دبیر کل جبهه پیروان

سرداران اقتصادی دولت روحانی فرمانده کل ندارند

نباید راه غلط عزل و نصب های گسترده در دولت عاقل یازدهم ادامه پیدا می کرد

هادی محمدی



مهندس محمد رضا باهنر را همه با نام مجلس می شناسند. حضور در هفت دوره از مجالس جمهوری اسلامی و حدود ۲۶ سال نمایندگی مردم کرمان و تهران، او را صاحب رکوردی در این زمینه ساخته که به قول خودش احتمالاً برای اولین بار با عنوان نمایندگی مجلس باز نشسته خواهد شد. باهنر اگر چه شخصیتی بیشتر اقتصادی است اما فعالیت های زیادی هم در میان اصولگرایان، به ویژه در بزنگاه های انتخاباتی دارد.

اوپس از سالها سیاست ورزی، احساس تکلیف کرد که در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری که خرداد ماه ۹۲ برگزار شد کاندیدا شود تا شانس خود را در این میدان نیز بیازماید. اما تحولات درون گروهی جبهه پیروان خط امام و رهبری که نایب ریبری آن را بر عهده داشت باعث شد تا از خیر جلوس بر کرسی پاستور بگذرد. سال گذشته جبهه پیروان شاهد از دست دادن رییس خود - مرحوم عسگر اولادی - بود. این فقدان باعث شد تا پس از سالها باهنر بارای اکثریت اعضای جبهه به ریاست این تشکل سنتی اصولگرا برسد.

شاید فرضیه قدیمی باهنر برای تشکیل یک حزب فراگیر اصولگرا در این سمت جدید، فضای کار بیشتری را برای او فراهم کند اما با این حال او در پاسخ به سوالات انتخاباتی مجلس دهم، هنوز این مباحث را زود می داند. وی که با خراسان و برای انتشار در ویژه نامه نوروزی گفتگو کرده است برخی اظهارات نمایندگان در مجلس و در حوزه سیاست خارجی را صحیح نمی داند اما وجود تک صدایی و کم رنگ کردن انتقادات را نیز نمی پذیرد. این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن اینکه معتقد است شعارهای روحانی در دوران تبلیغات انتخاباتی مصرف انتخاباتی نداشت و آن ها اعتقاد وی بود به صراحت می گوید نگرانیم و از نامه نگاری های خود با رییس جمهور و گفتگو با اعضای اقتصادی دولت بر سر معضلات بزرگ کشور سخن می گوید و عقیده دارد نباید راه غلط گذشته در عزل و نصب های گسترده مدیران، در دولت عاقل یازدهم هم ادامه پیدا می کرد.

گفتم جبهه پیروان خط امام و رهبری نباید برای کاندید اتوری بیشتر از یک نفر معرفی کند که همان روز اول سه نفر معین شدند تا کار انتخاباتی کنند و دو نفر دیگر هم اضافه شدند و متعهد شدیم که یک نفر در انتها انتخاب گردد. اگر چه شاید در بخش هایی از ساز و کار این روند عدالت نبود، اما قبول کردیم و تن دادیم در حالی که در جناح دیگری از اصولگرایان، با اینکه متأسفانه آقایان ولایتی، قالیباف و حداد از همان روز اول گفتند که باید ما سه نفر، یک نفر بشویم اما نتوانستند یکی شوند که کار خوبی در کار سیاست و تشکیلاتی نیست.

یعنی به خاطر احتمال باخت و شکست نبود که کنار کشیدید؟

بله آن هم هست و شاید جلوتر که می آمدیم ممکن بود فرق کند. حتی اگر من تنها کاندیدای جبهه می شدم ممکن بود تا ۲۰ روز بعد به این نتیجه برسیم که نخبه باید از فرد دیگری حمایت کنیم.

شما این حرکت ابوتراپی را که انصراف داد تا تعداد کاندیداهای اصولگرا بیشتر شوند قبول دارید و اگر شما جای او بودید این کار را می کردید؟

لطفاً در مورد خودم سؤال کنید و در مورد دیگران سؤال نکنید.

شما همه جا گفتید که روحانی نامزد اصلاح طلبان نبوده، اما واقعیت این است که اگر سران اصلاحات از او حمایت نمی کردند رای نمی آورد. آیا با این دلیل نمی شود که بگوییم حمایت اصلاح طلبان دلیل اصلی پیروزی روحانی بوده است؟

من می گویم حتماً اصلاح طلبان در پیروزی روحانی دخیل بودند و بی تردید نقش ممتازی هم داشتند اما اگر کسی بخواهد روحانی را به عنوان یک اصلاح طلب تعریف کند قبول ندارم. چون روحانی در گذشته سیاسی خود قبل از انتخابات یک ورق اصلاح طلبی ندارد اما کتابهای قطوری در زمینه اصولگرایی دارد. من صد تا سخنرانی از روحانی می آورم که اصولگرایانه صحبت کرده و بر خلاف اصلاح طلبان. اما اصلاح طلبان اگر می توانند ۲ سخنرانی بیاورند که خلاف این گفته من باشد. اصلاح طلبان حتماً با حمایت از روحانی باعث پیروزی وی

می کنند و می گویند چرا در مواقعی که موقعیت مناسب است به این دلیل فرصت را از دست می دهید که اوج آن در انتخاب هیأت ریسه مجلس هشتم بود که یک سال به دلیل رای نیاوردن در فراکسیون اصولگرایان، حاضر نشدم خارج از تصمیم تشکیلاتی عمل کنم، در صحن حاضر نشدم و آقای صدر نائب رییس شد. چون من پایبندی به تعهد تشکیلاتی را مهمتر از یک سال نایب ریسی مجلس می دانستم. در جریان ریاست جمهوری هم همین اتفاق افتاد و از روز اول که شروع کردیم

شما یک دوره ای برای انتخابات ریاست جمهوری فعالیت کردید اما در آستانه ثبت نام ها کنار رفتید. دلیل این کار حکمیت و اتفاقات درونی جبهه پیروان بود یا اینکه احتمال برد ندادید و برای جلوگیری از شکست کنار کشیدید؟

با توجه به سابقه زیادی که در کار سیاسی دارم این را می دانم که کار تشکیلاتی حتی در میان فعالین سیاسی رونق ندارد و به همین دلیل من همیشه تلاش می کنم تا به تعهدات تشکیلاتی خودم پایبند باشم تا جایی که برخی دوستان من را سرزنش